

نامه اقتصاددانان و جنبش مشروطه



کوروش احمدی

دبیلمات‌پیشین

نامه مهمی که با امضای ۱۸۵ نفر از «استادان و پژوهشگران رشته‌های اقتصاد و علوم اجتماعی» خطاب به رئیس‌جمهور محترم انتشار یافته، از چند جهت سند مهمی است:

۱. این نامه و بسیاری فعالیت‌های مشابه، حکایت از حساسیت، نگرانی و احساس مسئولیت جمع گسترده‌ای از اندیشمندان وطن‌دوست و خیرخواه مُلک و ملت دارد که به‌طور طبیعی و متناسب با اوج‌گیری انواع بحران‌های مبتلا به کشور رو به افزایش است. نگاهی به اسامی امضاکنندگان نشان می‌دهد جمع بسیار متنوعی از آگاهان به امور اقتصاد و سیاست، نظرات مشترک خود را که با رفاه و آسایش مردم و منافع ملی ربط دارد، از سر خیرخواهی اعلام کرده‌اند. قطعاً اگر فرصت و دسترسی بیشتری وجود داشت، شمار امضاها می‌توانست به هزاران نیز برسد. این نامه تنها یکی از جلوه‌های بروز و ظهور بیرونی حرکت مثبت و فرخنده‌ای است که طی چند سال اخیر دیده می‌شود. شواهد حاکی از آن است که بعد از دهه‌ها کم‌تحركی، گفت‌وگوها و تعاملات سازنده‌ای بین اقشار مختلف با دیدگاه‌های متفاوت در جریان است که در میانه ناامیدی‌ها، روزنه امیدی است و می‌تواند نویدبخش خروج از بن‌بست کنونی و کمکِ بزرگ در جهت قراردادن کشور در مسیری درست باشد. حکومت باید چنین حساسیت و احساس مسئولیتی از ناحیه اندیشمندان وطن‌دوست را قدر بداند، به ملاحظاتی که توسط آنها مطرح می‌شود، توجه کند و به هر طریق ممکن مشوق چنین رویه‌ای باشد و در جهت رفع موانع موجود در این مسیر بکوشد.

۲. توجهی که در بندهای آغازین نامه اقتصاددانان به ست مشروطه شده، ارزشمند و شایسته تقدیر بسیار است.

یادداشت

توقع از رئیس‌جمهوری بالااست!



محمدجوادلسانی

تعدادی آدم دلسوز در دانشگاه‌های کشور هستند که سر هر دوره ریاست‌جمهوری دست به کار می‌شوند و درباره بودجه سالانه با اشراف به وضعیت امروز میهن، نظر می‌دهند. آنها زحمت پژوهشی سنگین را به دوش می‌کشند تا رئیس‌جمهوری و اعضای کابینه در هر پست وزارت‌سی یا در جایگاه معاونت و مدیریت بنگاه دولتی بدانند که کجا به‌درستی باید خرج کنند و برای کدام بنیاد و شرکت توصیه‌شده‌ای نباید از بیت‌المال هزینه کنند. هرچند در آن سوی قفسه، از کسانی که نامه‌های مشفقانه را تاکنون دریافت کردند عکس‌العمل محسوسی مشاهده نشده است و حتی گاهی شده که برعکس توصیه‌های معطوف بر دیدن زخم‌ها هم عمل کرده‌اند و چوبش را تنها مردم خورده‌اند. به طور مسلم این رفتار هرچند مؤدبانه و رسمی اما ساکت‌کارگزاران از نگاه ملت، یک عادت زشت و ناپسند است. چه معنی دارد که این منتخبان ملت حتی زحمت نوشتن یک سطر جواب هم به این استادان درس‌خوانده را به خود نمی‌دهند؟ در این مقام که ایستاده‌اند جایی نیست که کسی رُست سینمایی بگیرد و در برابر دوربین رسانه‌ها خود را به آن راه پی خبری برزد. تا آنجا که حافظه یساری می‌دهد از دوره احمدی‌نژاد و سپس روحانی و رژیسی این هشدارها نظم بیشتر و سیاق جدی‌تری گرفت، اما در آن سو حتی یک دعوت هم از نویسندگان برای شنیدن کله‌ها و درخواست‌ها تا این لحظه صورت نگرفته. جان کلام آنکه اهل فن و تئوری، هربار به‌درستی دردها و گره‌ها را محاسبه می‌کنند و می‌نویسند شاید گوش شنوایی پیدا شود. یعنی این صداهای به گوش هیچ‌کدامشان نمی‌رسد؟

در آخرین نامه‌ای که با امضای ۱۸۰ اقتصاددان به رئیس‌جمهور پزشکیان نوشته شده، یک تفاوت عمیق احساس می‌شود که بسیار جای درنگ و تفکر دارد. نکته دردآور این نامه در اینجااست که در نامه پژوهشگران دانشگاه، به مقطع طاق‌تفرسای کنونی اشاره صریحی شده است.

سه‌شنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۴
۱۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷
۹ دسامبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۲۷۵
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روایتی از سفر عباس عراقچی به باکو و تلاش برای ترمیم رابطه پرفرازونشیب چند سال اخیر

بازگشت به مسیر همسایگی

وحیده کریمی: روابط ایران و جمهوری آذربایجان در طول دهه‌های گذشته، اگرچه همواره تحت تأثیر فراز و فرودهای سیاسی قرار گرفته، اما بر بستری از واقعیت‌های ژئوپلیتیک و پیوندهای تاریخی استوار بوده است؛ بستری که در بزنگاه‌های حساس، نقش آن در حفظ گفت‌وگو، مدیریت اختلافات و جلوگیری از انباشت سوءظن‌ها بیش از هر زمان دیگری آشکار شده است. اهمیت همسایگی میان تهران و باکو تنها به اشتراک مرز یا ضرورت‌های امنیتی محدود نیست؛ این روابط ریشه در فرهنگی دارد که قرن‌ها پیش از شکل‌گیری مرزهای سیاسی، مردمان دو سوی ارس را به هم پیوند می‌داد. همین پیوستگی تاریخی و فرهنگی، ظرفیت طبیعی و قدرتمندی برای توسعه روابط تجاری، فرهنگی، اقتصادی و ارتباطات انسانی ایجاد کرده است. اما این ظرفیت‌ها

یک سال پس از اسد، سوری‌ها نگران چه هستند؟

از زخم‌های کهنه هنوز خون می‌چکد

صفحه ۵

یادداشت

اطلاعات تکان‌دهنده از بدترین سال آلودگی هوادر تهران



علی‌پیرحسین‌لو

بی‌تردید این نسبت تا پایان سال بدتر می‌شود که بهتر نمی‌شود. تا نیمه آذرماه امسال، در چهار روز شاخص AQI روزانه بالاتر از ۲۰۰ را تجربه کرده‌ایم و بعید نیست این تعداد بالاتر برود و از این لحاظ هم ۱۴۰۴ رکوردشکنی کند. اینها تفسیر و تحلیل نیست؛ واقعیت‌هایی که برگرفته از گزارش‌های رسمی و تاییدشده مراجع قانونی است. تازه اینها مربوط به شاخص روزانه بر حسب میانگین ایستگاه‌هاست؛ وگر نه چه بسیار مواردی که به صورت موردی کیفیت هوا در برخی روزها و ساعات به وضعیت ناسالم و بلکه خطرناک رسیده‌ا اما در گزارش‌ها ثبت نشده است. به همه اینها یک واقعیت آخر را هم باید افزود: اینکه تقریباً در هیچ بخشی از مسائل منجر به این وضعیت فجیع و بدترشونده آلودگی هوای تهران، هیچ برنامه‌ای بگیری

یادداشت

خطری که «ایران» را تهدید می‌کند



حسین حقگو

کارشناس اقتصادی

۱. شورای همکاری خلیج فارس در نشست اخیر خود بار دیگر ادعاهای تکراری درباره جزایر سه‌گانه ایرانی را مطرح کرد، اما این بار با غلظت و شدت بیشتر و با زبانی تهدیدآمیز که «ایران باید فوراً جزایر سه‌گانه را که به زور اشغال کرده است، به امارات بازگرداند یا درمورد آنها مذاکره کند، در غیر این صورت از طریق دیوان بین‌المللی دادگستری این جزایر را پس خواهیم گرفت». صرف‌نظر از باطل‌بودن چنین خواست‌ و مسخره‌بودن چنین ادعایی، اگر نخواهیم از زبان کیهانیان استفاده کنیم و بحث بازگشت یکی از کشورهای عضو این شورا (بحرین) را به قلمرو ایران مطرح کنیم (کیهان – ۹/۱۵)، در مقام تحلیل، این سوالات به ذهن می‌رسد که این شورا ادعای فاقد منطق تاریخی خود را از کدام موضع قدرت اقتصادی و سیاسی بیان می‌کند؟ و این طمع‌ورزی چند کشور کوچک فاقد پیشینه تاریخی، بر مبنای کدام سنجش از قدرت ایران استوار است؟! دیربکر همین شورای همکاری خلیج فارس، اخیراً در میزگردی با محمدجواد ظریف در کنفرانس دوحه، ضمن تکرار همان مواضع بیانیه درباره جزایر ایرانی، از «تولید ناخالص حدود ۲۰۴ تریلیون دلاری کشورهای عضو این شورا به‌عنوان نهمین اقتصاد بزرگ جهان» سخن گفت و اینکه این کشورها آماده‌اند از این قدرت اقتصادی در جهت همکاری با ایران استفاده کنند (رسانه‌ها – ۹/۱۵). قدرت اقتصادی که توانسته بزرگ‌ترین قدرت جهان و رئیس‌جمهور خودشیفته‌اش را رام و دست‌آموز کند (شاید برخلاف ادعای کیهانیان که این رابطه را برعکس تصویر کرده و این کشورها را «کاو شیرده» آمریکایی‌ها می‌نامند- همان) و همچنین قدرت مانور سیاسی بالایی در بسیاری از منازعات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در مقام مذاکره‌گر یا تسهیلگر و رابط و میانجی و... در اختیار این کشورها قرار دهد. در این سو اما متأسفانه قدرت اقتصادی ایران در چند دهه اخیر به‌شدت تحلیل رفته و کشورهای با تولید ناخالص کمتر از ۲۵۰ میلیارد دلار، رشد‌های اقتصادی پایین و شکننده، جمعیت فقیر و تورم‌های بالا، حیف‌ومیل منابع، بحران‌های محیط‌زیستی و... وضعیت نامناسبی دارد. هرچند قدرت فرهنگی و تمدنی ایران کتمان‌شدنی نیست («ایران دارای میراثی کهن در زمینه تمدن، فرهنگ و هنر است»، دبیرکل همکاری خلیج فارس – همان).

۲. آنچه به نظر این‌توان اقتصادی و قدرت‌بازدارندگی را تحلیل برده، احساس تبعیض و فقدان چشم‌انداز و امیدواری به آینده است. به قول رئیس‌جمهور اسبق کشورمان، «ما فضای امنیتی نمی‌خواهیم، ما فضای امن می‌خواهیم» (حسن روحانی – ۹/۸). شقه‌شقه و «خودی» و «غیرخودی» شدن جامعه به‌عنوان بزرگ‌ترین تهدید این روزهای کشور نتیجه همان سیاست‌های غلط نگاه امنیتی به جامعه بوده است (مردم را نباید به خودی و غیرخودی

شرق

برای نخستین بار، شرکت‌های کوچک و متوسط در سال ۱۴۰۴ رتبه‌بندی شدند

توسعه عدالت‌محور با صنایع کوچک

۴



یک کتاب یک نویسنده: گفت‌وگوی احمد غلامی با ناصر فکوهی

نفوذی‌ها مردم کوچه و بازار نیستند

این گفت‌وگورا در صفحه ۶ بخوانید.عکس ستاره‌ناظمی

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از تبعیض فراغت و محرومیت‌های اقتصادی برای تجربه یک سفر ساده

از هتل‌های لوکس تا اقامت در خیابان

۱۰

گزارش «شرق» از دیدار وزیر خارجه ترکیه و عراق درباره ایران

بازیگری تهران نقش کلیدی در ثبات منطقه

۳

سازمان محیط زیست به «شرق» اعلام کرد که تکلیف SAFARI الیمالات به‌زودی مشخص می‌شود

کارزار مردمی برای تعطیلی SAFARI الیمالات

۸

گفت‌وگو با ساعد مشکي و انوشیروان ممیز به بهانه بیستمین یزرگداشت مرتضی ممیز

تداوم؛ میراث «ممیز» برای نسل آینده

۱۱

نکاه

وقتی سمت نظارتی می‌تواند نردبان سمت مدیریتی شود یادداشتی از فرشید فرحناکیان

۳

یادداشت

زلنسکی و فساد سیستماتیک



حامدنفی‌او

کارشناس سیاست خارجی

جنگ اوکراین برخلاف آنچه در ابتدا زلنسکی نمایان می‌کرد، هیچ دستاوردی برای این کشور نداشت. آنچه در آغاز «مقاومت» نام گرفت، به صحنه سواستفاده چند تاجر و حلقه نزدیکان زلنسکی بدل شد؛ از تیمور میندیع تا آندری یرماک. پولی که باید صرف بازسازی انرژی و دفاع می‌شد، در حساب‌های شخصی نشست. تسلیحات غربی، به جای خط مقدم، در بازارهای سیاه مکزیک و برزیل فروخته شد. جنگ، به جای دفاع ملی، کارخانه بحران شد؛ بحرانی که هم مشروطیت داخلی را فرسود و هم اعتبار خارجی را شکست. استعفای یرماک، دست راست زلنسکی، یک رویداد اداری نبود؛ نشانه فرسایش مشروعیت بود. وقتی نزدیک‌ترین چهره سیاسی رئیس‌جمهور زیر فشار افکار عمومی کنار می‌رود، معنایش روشن است؛ اعتماد عمومی در میانه جنگ، شکننده‌تر از همیشه. تحریم‌های نمادین علیه میندیع و زوکرمین با بازنگری‌های شتاب‌زده در نهادهای انرژی، بیشتر واکنش اضطراری‌اند تا اصلاحات واقعی.

جناب آقای ناصر کلانی

با نهایت تأسف و تاثر، درگذشت خواهرزاده

گرامی‌تان (مرحوم شهرام شوشتریان) را تسلیت

عرض می‌کنیم و از خداوند متعال برای آن مرحوم

رحمت واسعه و برای جنابعالی و خانواده محترم،

صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

امیر مظاهری

۳۳۳
ادامه در صفحه ۵

۳۳۳
ادامه در صفحه ۱۰

۳۳۳
ادامه در صفحه ۱۰